



## فقه ۳

کرایش تفسیر و علوم قرآن

درس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی

## درس ۳۱

کتاب ارث

استاد: حجت الاسلام والمسلمین ترابی

آموزشیار: آقای باقریان

## مقدمه

در درس گذشته دلایل و مستندات حکم حاجب بودن زنا را مورد بررسی قرار دادیم و دانستیم که میان فرزندی که نطفه‌ی وی از راه زنا منعقد شده است و پدر و مادر طبیعی وی و خویشاوندان پدری و مادری، توارثی برقرار نیست و از یکدیگر ارث نفی برند؛ برخی از فقها در حکم حاجب بودن زنا نسبت به زن زنا کار تردید نموده و معتقدند که توارث میان فرزندی که از راه زنا متولد شده و مادر زانیه اش و همچنین میان فرزند و کسانی که فرزند، به واسطه‌ی مادر به آنان متقرب است وجود دارد. در این درس به بررسی دلایل و مستندات این گروه از فقها خواهیم پرداخت.

یکی از مواردی که موجب حجب حرمانی می‌شود و شخص را از اصل ارث محروم می‌کند، لعان و نفی ولد است. در ادامه این درس، به بررسی این حکم و مستندات آن می‌پردازیم.

در پایان، به حکم حاجب نقصانی بودن ولد برای والدین میت خواهیم پرداخت.

## متن عربی

و قيل بوقوع التوارث بينه و بين المزنى بها و من يتقرب بها لموثقة اسحاق بن عمار عن جعفر عن ابيه عليهما السلام «ان عليا عليه السلام كان يقول: ولد الزنا و ابن الملاعنة ترثه امه و اخواله و اخوته لأمه او عصبتها». و يمكن الجواب بأن مقتضى التعليل فى صحيحة الحلبي نفى التوارث مطلقا. و الموثقة المذكورة يمكن حملها على حالة كون الوطاء من طرف المرأة بالشبهة كما ذكره صاحب الوسائل فى ذيل الموثقة فلاحظ.

٩- و اما الحجب باللعان

فلا اشكال فيه، فعلاقة الارث تنقطع بين الوالد و من يتقرب به و بين ولده و تبقى بينه و بين امه و من يتقرب بها. و قد تقدمت الاشارة الى ذلك عند البحث عن اللعان.

١٠- و اما ان الولد قد يحجب غيره حجب نقصان

فواضح فهو:

أ- يحجب الابوين عما زاد على السدس الا اذا فرض كونه بنتا واحدة قد اجتمعت معهما - فانه يبقى سدس يرد عليهم اخماسا - او اجتمعت مع احدهما، فانه يبقى ثلث يرد عليهما ارباعا.

## نقد قول حاجب نبودن زنا از طرف زن زناکار

پیش‌تر دانستیم که اگر نطفی فرزندی از راه زنا منعقد شود، میان او و والدین طبیعی او توارثی نیست؛ همچنین میان خویشاوندان پدر و مادر طبیعی و فرزند یاد شده نیز توارثی نیست.<sup>۱</sup>

برخی از فقها در حکم حاجب بودن زنا نسبت به زن زناکار، تردید نموده‌اند؛ این گروه از فقها معتقدند که میان فرزندی که از راه زنا متولد شده و مادر زانیه‌اش و همچنین میان فرزند و کسانی که فرزند، به واسطه‌ی مادر با آنان خویشاوند است (مانند برادر امی و خاله و دایی و فرزندان آنها) توارث وجود دارد؛ و حجب یاد شده، تنها مانع توارث فرزند و پدر و نیز خویشاوندان پدری است.

### دلیل این قول: موثقه‌ی اسحاق بن عمار

دلیل فقهای یاد شده در استناد به حکم مزبور، موثقه اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) است که از پدر بزرگوار خویش چنین نقل می‌کند: «امیر مؤمنان همیشه می‌فرمود: از ولد زنا و پسری که به سبب لعان<sup>۲</sup> از پدرش جدا می‌شود، مادر و دایی و برادران امی او و خویشان از این طریق ارث می‌برند.»<sup>۳</sup>

بنابراین، در موثقه‌ی اسحاق بن عمار، امیر مؤمنان (ع) توارث در ولد زنا را نیز ملحق به حکم توارث در ملاعنه دانسته است؛ به عبارت دیگر، حضرت علی (ع) چنین حکم نموده‌اند که ولد زنا نیز مانند فرزندی که پدرش او را در لعان، نفی می‌کند<sup>۴</sup>، از مادر و خویشاوندان مادری خود ارث می‌برد و میان آنها و چنین فرزندی، توارث برقرار است.<sup>۵</sup>

۱. این نکته قابل توجه است که فرزند طبیعی (فرزندی که از راه زنا متولد شده است)، مقتضی توارث را با خود ندارد؛ و نبودن مقتضی، با وجود مانع تفاوت دارد. به همین جهت، ولادت از زنا را نباید از موانع ارث تلقی نمود.

۲. لعان یکی از راه‌های فسخ نکاح است که موجب حرمت ابدی زن و شوهر می‌گردد (رجوع کنید به ماده ۱۰۵۲ قانون مدنی). برای تحقق لعان، مرد باید به زن خود نسبت زنا دهد و ادعای مشاهده آن را بکند و چهار بار خدا را گواه راستگویی خویش گیرد و بار پنجم بگوید: «لعنت خدا بر من اگر از دروغ‌گویان باشم». زن نیز باید چهار بار خدا را گواه دروغ‌گویی شوهر بگیرد و بار پنجم بگوید: «لعنت خدا بر من اگر از راست‌گویان باشد». (رجوع کنید به کتاب حقوق خانواده، دکتر ناصر کاتوزیان، ج ۱ ش ۷۳. اگر لعان به منظور انکار فرزند باشد، نسب او را نفی می‌کند و توارث بین آن دو و خویشاوندان پدری را از بین می‌برد (رجوع کنید به مواد ۸۸۲ و ۸۸۳ قانون مدنی و حقوق خانواده، کاتوزیان، ج ۲، شماره ۳۶۴).

۳. «ان علیا علیه السلام کان یقول: ولد الزنا و ابن الملاعنة ترثه امه و اخواله و اخوته لأمه او عصبته» وسائل الشیعة ۱۷: ۵۶۹ الباب ۸ من ابواب میراث ولد الملاعنة الحديث ۹.

۴. ماده ۸۸۲ قانون مدنی چنین مقرر می‌دارد: بعد از لعان، زن و شوهر از یکدیگر ارث نمی‌برند و همچنین فرزندی که به سبب انکار او لعان واقع شده از پدر، و پدر از او ارث نفی برد، لیکن فرزند مزبور از مادر و خویشان مادری خود و همچنین مادر و خویشان مادری از او ارث می‌برند.

۵. مانع بودن لعان از ارث، مورد انتقاد قرار گرفته است، به این تعبیر که هر چند با انحلال نکاح مقتضی توارث از بین می‌رود (رجوع کنید به کتاب ارث، دکتر جعفری لنگرودی، ج ۱، ش ۹۶ و ۱۱۵ و ۱۱۶) ولی از بین رفتن مقتضی توارث، صرفاً در مورد میراث زن و شوهر تحقق می‌یابد زیرا زناشویی را از بین می‌برد (رجوع کنید به ماده ۱۰۵۲ قانون مدنی) ولی در مورد نسب، قابل رفع به نظر نفی رسد زیرا انحلال نکاح منجر به نامشروع شدن اولاد متولد شده نفی شود و به همین جهت فرزند نفی شده در لعان، از مادر ارث می‌برد و عدم انتساب فرزند به پدر، صرفاً فرض حقوقی است و این احتمال نیز وجود دارد که با حکم واقعی منطبق نباشد و به همین جهت است که قانون نیز به لوازم آن پایبند نیست.

## توجیه موثقه‌ی اسحاق بن عمار

موثقه‌ی اسحاق بن عمار با اطلاق مقتضای تعلیل موجود در صحیح‌ه حلبی که تصریح می‌دارد: «الولد للفراش و للعاهر الحجر» منافات دارد؛ چه آنکه مقتضای تعلیل صحیح‌ه‌ی حلبی، مطلقاً عدم توارث است؛ و در این میان، تفاوتی بین پدر زناکار و مادر زناکار نیست. بنابراین باید موثقه‌ی اسحاق بن عمار را به گونه‌ای توجیه نماییم که با صحیح‌ه‌ی حلبی قابل جمع باشد. برای این منظور می‌توانیم موثقه اسحاق بن عمار را مخصوص موردی بدانیم که نزدیکی از ناحیه مادر، و طی به شبهه است<sup>۱</sup> و از ناحیه پدر، مصداق زنا است؛ که در این صورت، بین صحیح‌ه حلبی با موثقه اسحاق بن عمار منافاتی نخواهد بود؛ چه آنکه صحیح‌ه حلبی ناظر به موردی است که نزدیکی از ناحیه پدر و مادر (هر دو) زنا باشد و ناظر به موردی که از ناحیه یکی از آنها و طی به شبهه باشد نیست. مؤید چنین برداشتی از موثقه اسحاق بن عمار و اختصاص آن به موردی که نزدیکی از ناحیه مادر و طی به شبهه است، اشاره به ولد ملاعنه در موثقه‌ی علام شده است؛ چه آنکه در ولد ملاعنه نیز با موقعیت مشابهی روبرو هستیم. وجه جمع یاد شده توسط شیخ حرّ عاملی ارائه گردیده است.

## تطبیق

و قبل بوقوع التوارث بینة و بین المزنی بها و من یتقرب بها  
برخی گفته‌اند بین فرزندی که از زنا متولد شده و مادر زانیه اش و کسانی که از راه مادر با آنان خویشاوند است (مانند برادر مادری، خاله، دایی و فرزندانش) توارث هست.  
لموثقة اسحاق بن عمار عن جعفر عن ابيه عليهما السلام: «ان عليا عليه السلام كان يقول: ولد الزنا و ابن الملاعنة ترثه امه و اخواله و اخوته لأمه او عصبتها»<sup>۲</sup>.  
به دلیل موثقه اسحاق بن عمار از امام صادق از پدر بزرگوارش که فرمود: «امیر مؤمنان همیشه می‌فرمود: از ولد زنا و پسری که به سبب لعان از پدرش جدا می‌شود، مادر و دایی و برادران او می‌او و خویشان از این طریق ارث می‌برند».

و یمکن الجواب بأن مقتضى التعليل في صحیحة الحلبي نفی التوارث مطلقا.  
ممکن است در پاسخ از این تردید و بیان گفت: مقتضای تعلیلی که در صحیح‌ه حلبی آمده (که الولد للفراش و للعاهر الحجر) عدم توارث است مطلقا (خواه بین ولد و والد زناکارش و بین او و والده زناکارش).  
و الموثقة المذكورة یمکن حملها على حالة كون الوطاء من طرف المرأة بالشبهة كما ذكره صاحب الوسائل فی ذیل الموثقة فلاحظ.

<sup>۱</sup> این نکته قابل توجه است که نزدیکی به شبهه، اگر با یکی از محارم صورت پذیرد، فرزند ناشی از آن در حکم فرزند طبیعی است و ارث نفی برد. رجوع کنید به: دکتر سید حسن امامی، حقوق مدنی، ج ۳، ص ۱۸۸.

<sup>۲</sup> وسائل الشیعة ۱۷: ۵۶۹ الباب ۸ من ابواب میراث ولد الملاعنة الحديث ۹.

لذا باید موثقه مذکور را توجیه کرد به این که مربوط به جایی است که از ناحیه مادر وطی به شبهه بوده است.<sup>۱</sup> شیخ حرعاملی این وجه جمع را ارائه کرده است.

SCO۱ ⇨ ۱۰:۱۷

### دلیل حاجب بودن لعان

ممکن است مردی معتقد باشد که همسر او با شخص دیگری عمل نامشروع زنا مرتکب شده است ولی نتواند برای اثبات مدعای خویش بینه بیاورد؛ در این صورت، برای نفی ولدی که ممکن است از این رابطه نامشروع متولد شود می‌تواند به حاکم شرع مراجعه نموده و درخواست اجرای مراسم لعان نماید.

پس از اجرای مراسم لعان، زن یاد شده برای مرد حرام ابدی می‌شود و فرزندی که از رحم آن زن متولد می‌شود، نسبتی با مرد نخواهد داشت؛ بنابراین، از یکدیگر ارث نمی‌برند. همچنین بین فرزند نفی شده و کسانی که به واسطه‌ی پدر با او پیوند خویشاوندی دارند (مانند عمو، عمه و غیره) نیز توارثی نخواهد بود و از یکدیگر ارث نمی‌برند.

لعان، بر رابطه خویشاوندی میان فرزند و مادر و نیز کسانی که به واسطه‌ی مادر با او پیوند خویشاوندی دارند اثری نمی‌گذارد و توارث میان آنها همچنان برقرار است و از یکدیگر ارث می‌برند. احکام لعان، مورد اتفاق فقها است و اشکالی در آن وارد نشده است.

### تطبیق

و اما الحجب باللعان فلا اشکال فیه،

و اما حاجب بودن لعان از ارث بردن بحث و اشکالی در آن نیست،<sup>۲</sup>

فعلاقة الارث تنقطع بین الوالد و من یتقرب به و بین ولده

توارث میان پدر و کسانی که قرابت آنها از راه پدر باشد،<sup>۳</sup> و فرزند متولد شده قطع می‌گردد

و تبقی بینه و بین امه و من یتقرب بها. و قد تقدمت الاشارة الى ذلك عند البحث عن اللعان.

آری بین این فرزند و مادری که او را به دنیا آورده و کسانی که از راه مادر با او خویشاوند هستند توارث برقرار است و در بحث لعان به آن اشاره شد.

۱. مانند این که خیال می‌کرده این مرد شوهر اوست از این رو تن به نزدیکی با او داده و مرد فاعل با آنکه می‌دانسته این زن برای او حلال نیست ولی سوء استفاده کرده و با او وطی کرده و نتیجه آن انعقاد نطفه این فرزند بوده که از ناحیه پدرش چون زناست به او ملحق نمی‌شود ولی از ناحیه مادر چون وطی به شبهه بوده است به او ملحق است شاهدش این که در کنار ولد ملاعنه نام او آمده است که او نیز چنین خصوصیتی دارد..  
 ۲. به این معنا که اگر مردی فرزندی را که زنش بدنیا آورده از نطفه خود ندانست و شکایت به نزد حاکم شرع برد و حاکم شرع از او و همسرش خواست برای نفی ولد لعان کنند پس از اجرای مراسم لعان آن زن بر این مرد حرام ابدی و رشته خویشاوندی بین آن ولد و این مرد قطع شده و هیچ کدام از یکدیگر ارث نمی‌برند

۳. مانند فرزندان این مرد، برادران و عموها و...

## دلیل حاجب بودن ولد برای والدین

وقتی که برای میت، اولاد یا اولادِ اولاد باشد، در این صورت هر یک از ابوین میت از ارث بردن بیش از یک سدس ترکه محروم می‌شوند.<sup>۱</sup> این حکم، در موارد ذیل جریان دارد که وارثان میت عبارت باشند از:

۱. پدر و مادر میت و پسر میت.

۲. پدر یا مادر میت و پسر میت.

۳. پدر و مادر میت و پسر و دختر میت.

۴. پدر یا مادر میت و پسر و دختر میت.

۵. پدر و مادر میت و دختران میت.

در صورت‌های یاد شده، به هر یک از پدر و مادر میت سدس ترکه می‌رسد و باقیمانده‌ی آن بین فرزندان تقسیم می‌شود که سهم فرزند ذکور، دو برابر سهم فرزند اناث است.<sup>۲</sup>

در برخی موارد، اولادِ میت حاجب والدین نیستند؛ و آن در موارد ذیل است:<sup>۳</sup>

۱. اگر وارثان میت عبارت باشند از پدر و مادر میت و یک دختر، ماترک به دو صورت تقسیم می‌شود:

الف: سهم هر یک از والدین سدس ترکه و سهم دختر نصف ترکه می‌باشد و سدس باقیمانده از ترکه به نسبت سهام میان آنها تقسیم می‌شود. به این صورت که سدس باقیمانده از ترکه را به ۵ قسمت تقسیم نموده<sup>۴</sup> و به هر یک از والدین یک قسم و به دختر، ۳ قسم از آن پرداخت می‌شود.

ب: تمام ترکه را به ۵ سهم تقسیم می‌کنیم و به هر یک از والدین یک سهم و به دختر ۳ سهم تعلق می‌گیرد.

۲. اگر وارثان میت عبارت باشند از پدر یا مادر و یک دختر، ماترک به دو صورت تقسیم می‌شود:

الف: سهم پدر یا مادر، سدس ترکه و سهم دختر نصف ترکه می‌باشد و باقیمانده ترکه به نسبت سهام هر یک میان آنها تقسیم می‌شود به این صورت که باقیمانده را به مجموع سهام دختر و یکی از ابوین (که ۴ سهم است) تقسیم نموده و بقیه‌ی از ابوین یک سهم پرداخت و به دختر ۳ سهم پرداخت می‌شود.

ب: تمام ترکه را به ۴ سهم تقسیم می‌کنیم و به دختر ۳ سهم و بقیه‌ی از والدین یک سهم تعلق می‌گیرد.

<sup>۱</sup> . حد اقل میزان ارث برای هر یک از ابوین سدس ترکه برای هر یک از آنها است که در صورت وجود فرزند، بیش از آن ارث ن می‌برند، در حالی که اگر فرزند وجود نداشت سهم پدر دو ثلث و مادر ثلث بود. (رجوع کنید به ماده ۹۰۶ قانون مدنی).

<sup>۲</sup> . لازم بمطالع آوری است که اولادِ اولاد، در سهم ارث، جانشین اولاد میت می‌شوند و سهم کسی را دریافت می‌کنند که به واسطه‌ی او با میت قرابت دارند.

<sup>۳</sup> . در این درس، دو مورد از مواردی که اولاد میت در آنها حاجب مادر نیستند بیان شده است، در درس بعدی، مورد سوم از موارد یاد شده را ارائه خواهیم نمود.

<sup>۴</sup> . با توجه به اینکه سهم والدین سدس ترکه (و به عبارتی، یک سهم از شش سهم کل ترکه) و سهم دختر نصف (و به عبارتی، سه سهم از شش سهم کل ترکه) است، مجموع سهام دختر و هر یک از والدین، ۵ سهم می‌شود.

## تطبیق

۱۰- و اما ان الولد قد یحجب غیره حجب نقصان فواضح

و اما در اینکه فرزندی، حاجب نقصانی غیر خود (از وارثان) است، شکی نیست

فهو: یحجب الابوين عما زاد علی السدس

و آن: محروم شدن والدین از ارث بردن بیش از سدس<sup>۱</sup> ترکه است

الا اذا فرض كونه بنتا واحدة قد اجتمعت معهما - فانه یبقی سدس یرد علیهم اخماسا-

مگر اینکه فرض شود فرزند میت، تنها یک دختر باشد که با والدین میت وارثان او را تشکیل دهند؛ که در این صورت، (بعد از پرداخت فریضه‌ی هر یک از ورثه) یک ششم ارث باقی می‌ماند که آن را به ۵ قسمت تقسیم می‌کنند و به نسبت سهام هر یک بین آنها تقسیم می‌شود.

او اجتمعت مع احدهما، فانه یبقی ثلث یرد علیهما ارباعا.

و یا (فرض شود) ولد میت، تنها یک دختر باشد که با یکی از والدین میت وارثان او را تشکیل دهند؛ که در این صورت ثلث ترکه باقی می‌ماند که (به نسبت سهام) به عنوان ردّ به آنها تعلق می‌گیرد.

دو مورد از موارد عدم حجب فرزند میت نسبت به والدین میت

{ الف) ورثه میت عبارت باشند از: یک دختر به همراه پدر و مادر میت  
 ب) ورثه میت عبارت باشند از: یک دختر به همراه پدر یا مادر میت

<sup>۱</sup> . مثلاً اگر وارثان میت، پدر یا مادر یا هردو و پسر میت یا پسر و دختر او باشند یا والدین با دو دختر میت جمع شوند در صور مذکور به هریک از والدین او یک ششم و مابقی بین فرزندان مذکور تقسیم می‌شود البته در جایی که فرزندان میت پسر و دختر باشند سهم پسران دو برابر سهم دختران است.



## چکیده

۱. برخی از فقها معتقدند بین فیزندی که از راه زنا متولد شده با مادر زانیه‌اش و نیز خویشاوندان مادریش توارث وجود دارد و حجب به سبب زنا، تنها مانع توارث فرزند با پدر و خویشاوندان پدری می‌شود.
۲. دلیل این عده از فقها موثقه‌ی اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) است که می‌فرماید: «إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ: وَلَدُ الزَّانَا وَابْنُ الْمُلَاعَنَةِ يَتَوَفَّيْهُمَا وَ إِخْوَالُهُ وَ إِخْوَنُ الْأُمِّ أَوْ عَصِيْبَتُهَا».
۳. با توجه به اینکه مقتضای اطلاق صحیح‌ه‌ی حلبی که در آن آمده است: الولد للفراش و للعاهر الحجر ، عدم توارث است هم بین ولد و پدر زناکارش و هم بین او و مادر زناکارش؛ لذا موثقه به این شکل توجیه می‌شود که مربوط به جایی است که از ناحیه مادر و طی به شبهه شده باشد.
۴. به اتفاق فقها اگر پدر برای نفی فرزند همسرش را لعان نماید بین فرزند و بین پدر و خویشاوندان پدری توارثی نخواهد بود؛ ولی بین فرزند و بین مادر و خویشاوندان مادری توارث برقرار خواهد بود.
۵. اگر برای میت اولادی هر چند با واسطه وجود داشته باشد هر یک از ابوین میت از ارث بردن بیش از یک سدس ترکه محروم می‌شوند.
۶. اگر وارثان میت عبارت باشند از: یک دختر به همراه پدر و مادر میت یا یکی از آنان، حجبی وجود نخواهد داشت.
۷. در حالت فوق، تقسیم ارث به دو صورت امکان پذیر است:  
 الف) به هر یک از والدین سدس و به دختر نصف داده شود و سدس باقی به نسبت سهام تقسیم شود.  
 ب) تمام ترکه به ۵ سهم تقسیم شود و به هر یک از والدین یک سهم و به دختر ۳ سهم تعلق گیرد.